



ابن‌ابی‌الحدید و انصاف اعتزالی در تفسیر نهج‌البلاغه

بیست جلد شرح بر نهج‌البلاغه توسط دانشمند معتدل معتزلی به نام ابن‌ابی‌الحدید، اثری است که اطلاعات ارزنده ادبی و تاریخی درباره این اثر ارائه می‌کند.

بیست جلد شرح بر نهج‌البلاغه توسط دانشمند معتدل معتزلی به نام ابن‌ابی‌الحدید، اثری است که اطلاعات ارزنده ادبی و تاریخی درباره این اثر ارائه می‌کند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، فخرالدین ابو‌حامد عبدالحمید بن ابوالحدید معروف به ابن‌ابی‌الحدید است. وی را متکلم، مورخ، شاعر و فقیهی شافعی دانسته‌اند که در قرن هفتم هجری می‌زیسته است. وی در شهر مدائن و در سال 586 هجری قمری به دنیا آمد. وی در زمان تحصیل به آرای معتزله بصره نزدیک شد و توانست در این مذهب به مقام بالایی دست یابد. وی دانش خوبی در ادبیات عرب داشت و اشعار عرفانی نیز از وی به یادگار مانده است. «ابن‌ابی‌الحدید از حدود پانزده سالگی در محضر عالمان مشهور بغداد حضور یافت. عزالدین در بغداد به قرائت کتب و اندوختن دانش پرداخت و در محافل ادبی و علمی شرکت جست به طوری که در زمره عالمان روزگار درآمد. ابن‌ابی‌الحدید در شعر طبعی رسا داشت و در انواع مضامین، شعر می‌گفت ولی مناجات و اشعار او در عرفان مشهورتر است. در حمله مغولان به بغداد اسیر شد، اما با وساطت برخی از بزرگان این شهر آزاد گردید و از مرگ نجات یافت. مهم‌ترین اثر ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه است که مجموعه‌ای گردآوری شده از سخنان امام علی (ع) است. ابن‌ابی‌الحدید در این کتاب، عظمت نهج‌البلاغه را به لحاظ ادبی، تاریخی و کلامی آشکار و عرضه کرده است. با این که گرایش به تشیع در شرح نهج‌البلاغه زیاد است، مطالبی نیز در آن یافت می‌شود که با عقاید عمومی شیعه درباره مسایل امامت و مسایل تاریخی مربوط به آن، سازگار نیست. هر چند ابن‌ابی‌الحدید در حمله هلاکوخان مغول به بغداد به واسطه شفاعت خواجه نصیرالدین طوسی و علمای بغداد از مرگ رهایی یافت ولی روزگاری نپایید و اندکی بعد در هفتاد سالگی در همان شهر درگذشت.» وی در دوران عباسی از مقام‌های علمی محسوب شده و اداره چند کتابخانه را به دست گرفته بود، پس از حمله هلاکو خان اسیر شد و قرار بود اعدام شود که میانجی‌گری خواجه‌نصیرالدین طوسی آزاد شد اما یک سال بعد و در سن هفتاد سالگی در بغداد از دنیا رفت.

اهمیت ابن‌ابی‌الحدید برای شیعیان در نگارش شرحی بیست‌جلدی است که وی بر نهج‌البلاغه نوشته است. اهمیت این کتاب با صرف‌نظر کردن از اختلافات تحلیلی با شیعیان در گزارش‌های مفصل تاریخی است. وی در نگارش این تفسیر علاوه بر منابع مشهوری چون اغانی ابی‌الفرج اصفهانی، سیره ابن‌هشام و تاریخ طبری از منابعی استفاده کرده است که از بین رفته‌اند. وی مدتی در اواخر دوره عباسیان به عنوان سرپرست کتابخانه بغداد و کتابخانه ده هزار جلدی ابن‌علقمی منصوب شد. این کتابخانه منابعی را که مربوط به پیش از طبری می‌شد را در اختیار داشت. وی در نگارش شرحش بر نهج‌البلاغه از منابع فرق مختلف شیعه و سنی از جمله کتب عبدالجبار معتزلی، سید مرتضی، شیخ طوسی و شیخ مفید شیعه و ابوحنیفه استفاده کرده است. وی به غیر از شرح نهج‌البلاغه دو کتاب با عناوین الفلک الدائر علی‌المثل السائر و نظم کتاب الفصیح تعلق را نگاشته است.

وی مشربی میان تسنن و تشیع برگزید و در بحث‌های عقیدتی در شرح نهج‌البلاغه به موافقت با جاحظ تصریح دارد. اتخاذ موضعی میانه باعث شده است تا برخی از سنیان او را شیعه بدانند. همچنین برخی از علمای شیعه مانند آیت‌الله قمی و آیت‌الله خوانساری وی را شیعه دانسته‌اند اما نگاهی به آراء او مشخص می‌کند که نمی‌توان او را به تمامه معتقد به آراء یکی از این دو مذهب اسلامی دانست. به هر حال با اینکه وی سنت مذهب بود اما ارادت ویژه‌ای به مولای متقیان داشت و بر اساس منویات معتزلیان حضرت علی (ع) را از دیگر خلفای راشد برتر می‌دانست. ابن‌ابی‌الحدید تصریح کرده است که حضر امیر هم در کثرت صواب و هم در فضایل و خصال حمیده، از دیگران برتر است. از وی قصیده‌هایی نیز در خصوص مدح حضرت محمد (ص)، علی (ع)، فتح خیر، فتح مکه و کشته شدن امام حسین (ع) باقی مانده است.

شرح وی تحولی اساسی در شروح نهج‌البلاغه محسوب می‌شود زیرا به غیر از تسلط ابن‌ابی‌الحدید وی بر تاریخ فقه و کلام نیز احاطه داشته است. اولین ترجمه این شرح توسط شمس‌الدین محمد بن مراد و در عصر صفوی صورت گرفته است اما ترجمه‌های دیگری نیز از این شرح صورت گرفته که نشان از اهمیت کتاب برای شیعیان داشته است.

شرح او بر نهج‌البلاغه امیر مومنان به دور از تعصب است و تلاش کرده آرای فرق گوناگون را با بی‌طرفی بیان کند. همچنین وی کوشش کرده است تا برخی از موضوعات مشترک در خطب مختلف را شرح داده است. وی در این شرح در حدود هشت هزار بیت شعر عربی استفاده کرده است. اثر وی البته مورد نقدهای جدی نیز واقع شده است اما انصاف اعتزالی وی باعث شده است تا او شرحی مستقل بر بیانات حضرت امیر بنگارد.